ارباب حلقه‌ها

سایه‌هایی زاییده هیچ

مروری بر رمان الیدور

هیربد کهن

نویسنده: آلن گارنر
ترجمه: شهرام رجب‌زاده
انتشارات قدیانی
تیراژ: ۳۳۰۰ نسخه
چاپ اول ۱۳۸۴

کتاب‌های فانتزی و داستان‌های علمی-تخیلی از جمله آثاری هستند که نویسنده می‌تواند در آنها نگرشی امیدوارکننده ارائه دهد و به گونه‌ای با درهم ریختن زمان و مکان و فضا و با نگاهی به دنیای امروز به برشی از واقعیت دست بزند تا به اینگونه و با شکل و طرحی جدید، داستانی خلق کند و مرز باورها و ناباوری‌ها را برهم زند. همچنین در بسیاری از اینگونه داستان‌ها با بهره‌گیری از علوم فیزیک و متافیزیک، نویسندگان دست به روایتی جدید از واقعیت‌ها می‌زنند و برخی اصول علمی را دستمایه قرار می‌دهند تا طرح داستان را باورپذیر نمایند و روایت‌های واقعی ارائه دهند، الیدور نوشته آلن گارنر یکی از همین دست داستان‌ها است. آلن گارنر یکی از بانفوذترین فانتزی‌نویسان بریتانیا در دهه ۱۹۶۰ بوده است. کتاب‌های او با انبوهی از جادوها انباشته شده است و اندیشه‌ها و افسون‌ها در مقابل هم قرار می‌گیرند. در الیدور حصاری به‌عنوان زمان وجود ندارد و خواننده می‌تواند به زمان گذشته و جادوها و افسانه‌ها دست یابد و مقابله خیر و شر را نظاره‌گر باشد.

در این داستان چهار شخصیت اصلی (یک دختر و سه پسر) از دنیای امروز به دنیای گذشته راه می‌یابند در روزی تیره در پنجشنبه، رولند، هلن، دیوید و نیکلس وسوسه می‌شوند و به درون کلیسایی ویران شده پا می‌گذارند، جایی که بافت زمان و مکان آنقدر سست است که آنان را به دنیایی پر رمز و راز بکشاند. بچه‌ها تا هنگامی که راهی برای نجات الیدور پیدا نشود باید مراقب گنج‌هایی باشند که به آنها سپرده شده. اما نیروی اهریمنی راه به دنیای آنان پیدا می‌کند و تقابل خیر و شر و استفاده از عقل و افسانه‌ها آغاز می‌شود و نویسنده از بسیاری از علوم برای راهیابی به این دو دنیا استفاده کرده است. باید به این نکته توجه داشت که داستان‌های علمی- تخیلی به فرضیه‌های علمی و فناوری‌های تخیلی توجه خاصی دارند بنابراین طرح اینگونه داستان‌ها بر همین اساس پایه‌ریزی می‌شود، از طرف دیگر توصیف در این شیوه داستانی با پرداخت به ریزپردازی‌هایی خاص صورت می‌گیرد، در این داستان‌ها زمان به‌هم می‌ریزد و مرز حال و گذشته و آینده درهم می‌شکند که الیدور تمام این ویژگی‌ها را دارا است. خصوصاً در زمانی که نیروی اهریمنی راه به دنیای امروز می‌یابد مرزها می‌شکند و افسانه‌ای چون تک‌شاخ در جهان امروز حضور و وجود خارجی پیدا می‌کند و همه چیز به‌هم می‌ریزد تا تعادل و حیات به الیدور باز گردد. میلبران که از شخصیت‌هایی است که از الیدور با بچه‌ها ارتباط برقرار کرده در خصوص این مرز می‌گوید: «گذشتن از دنیای شما و رسیدن به اینجا آسان نیست، اما مکان‌هایی هست که این دو دنیا باهم تماس پیدا می‌کنند. کلیسا و دژ. آنها در جنگ ویران شدند و اکنون همه سرزمین اطرافشان در تباهی به خود می‌لرزد. آنها در دنیایشان فروپاشیده‌اند.» و این یکی از توجیه‌ها و دلایلی است تا نویسنده مرز و مکانی برای تلاقی زمان‌ها بیابد تا اینگونه راهی بیابد برای برهم ریختن آنچه تعادل است و داستان را پی‌ریزد. در این داستان گاه رویا و خیال با واقعیت به شدت درهم تنیده می‌شوند و این امر به‌وسیله شخصیت اصلی داستان یعنی رولند جسور که قدرت تخیل و تجسم قوی دارد شکل می‌گیرد. او مرز این دو جهان است و این توانایی را دارد تا به کمک نیروهایش خیال و واقعیت را درهم بیامیزد و گاه به هم تبدیل کند. او از طرفی یک منجی است که با قدرت تخیل وارد دنیای سیاهی شده است و با تصور و شکل دادن به واقعیت در خیال می‌تواند جهان الیدور را به دنیای امروز وصل کند تا راهی برای رهایی و حیات همگان در الیدور باشد. همانطور که اشاره شد مرز دروازه‌های الیدور ویرانه‌ها است؛ مکان‌هایی که نه اینجا هستند و نه آنجا نه یک چیز هستند و نه نیستند. در دنیای الیدور بچه‌ها به گنج‌هایی افسانه‌ای دست می‌یابند و به آنها تاکید می‌شود تا برای نجات الیدور به خوبی از آنها نگهداری کنند. میلبران هم به آنها گوشزد می‌کند که نباید چیزی از دروازه گذشته و از درون برج به دنیای امروزی راه پیدا کند و درست زمانی که بچه‌ها به دنیای امروز بازمی‌گردند گنج‌ها در دست‌هایشان تغییر شکل یافته‌اند و تکه‌ای از وسایل دنیای امروز هستند، یک تکه نرده، فنجان و دو تخته پاره. اما این گنج‌ها که خاصیت الکترومغناطیسی فراوانی دارند بهانه‌ای می‌شوند برای راه یافتن اهریمن به دنیای امروز و عاملی که تاثیر گذشته را بر آینده سبب شود. همان اصلی که در بسیاری از داستان‌های علمی ـ تخیلی روی آن تاکید می‌شود.

نویسنده با بهره‌گیری از یکی از موارد علمی یعنی الکتریسته ساکن بخش‌های زیادی از داستان را با کمک و بهره‌گیری از علم و تاثیرات این خاصیت پیش می‌برد که همین امر می‌تواند سبب جذب مخاطبان و واقع‌نمایی بیشتر اثر شود تا خوانندگان هم بتوانند آن را باور کنند.

الیدور به عنوان یک فانتزی کلاسیک، با نگاهی انسانی و عمیق به هستی و جاودانه بودن و قدرت جادویی اشیا کششی را در مخاطب ایجاد می‌کند تا شخصیت‌های داستان برای حیات الیدور همگام شوند.

نویسنده بدون توسل به شعار، بسیاری از مسائل روز را به تصویر می‌کشد. تنهایی انسان‌ها، بی‌توجهی، ناباوری و . . . و موفق شده به گونه‌ای خاص بین پدیده‌های نامرتبط ارتباط برقرار کند. گارنر با توجه به تکنیک‌های مختلف داستان‌نویسی دنیایی خلق کرده که با بهره‌گیری از اسطوره‌ها و افسانه‌ها داستانی فانتزی را بیافریند که انسان با قدرت و اراده انسانی‌اش ناجی دنیای افسانه باشد و در حقیقت با داستان خودش تاکیدی باشد بر حرف «مادلین لانگل»:

داستان بهترین شیوه برای زنده نگه‌داشتن امید است. بیش از اینکه بخواهد به ما بدبینی خودکشی‌آور بدهد.

«پنج روز در نیمروز» با شاعری قصه‌پرداز

گفت‌وگو با محمدکاظم مزینانی شاعر و نویسنده

نلی محجوب

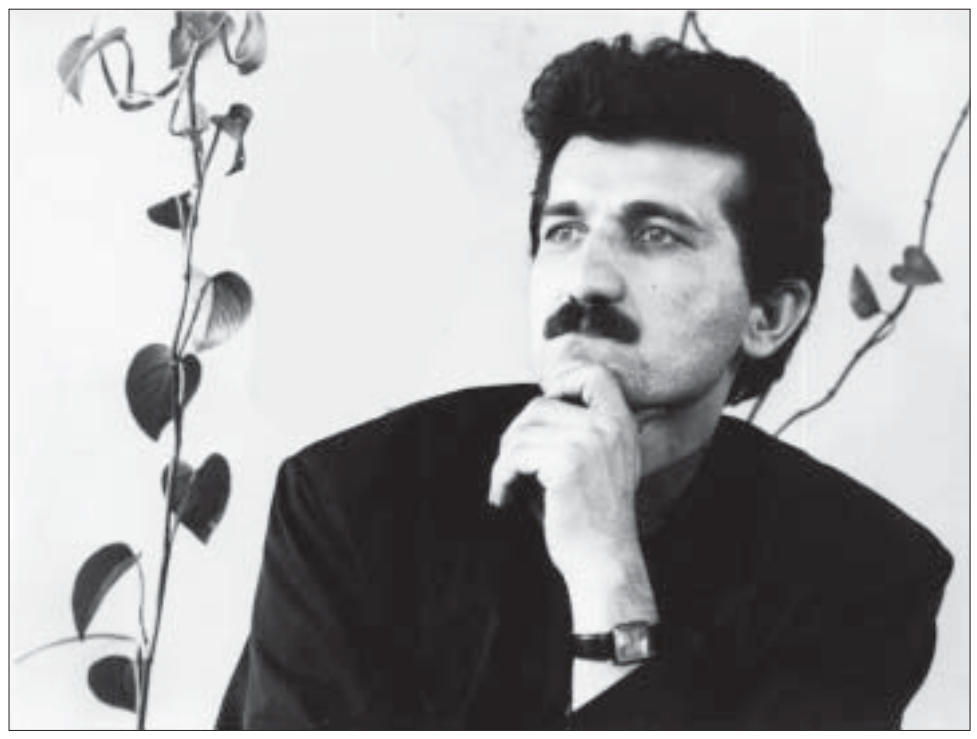

محمدکاظم مزینانی متولد ۱۳۴۲ در شهر دامغان است. وی فعالیت خود در حوزه ادبیات را با شعر و در سال ۱۳۶۳ در کیهان‌بچه‌ها آغاز کرد و با اولین اثرش «آب یعنی ماهی» به عنوان مجموعه شعر در سال ۶۹ توجه بسیاری را به خود جلب کرد. اما حوزه فعالیتش علاوه بر شعر در داستان هم گسترش یافت و به عنوان یکی از نویسندگان موفق در این عرصه خصوصاً در داستان‌های غیرتخیلی، سفرنامه و زندگینامه مطرح شد. مزینانی از جمله نویسندگان فعال و به عنوان نسل دوم نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان محسوب می‌شود که در سروده‌های مذهبی نیز جایگاهی خاص دارد. نخستین مجموعه شعر دینی‌اش را در سال ۷۵ به نام «ساده مثل آسمان» منتشر کرد که در حوزه خود قابل تامل و توجه بود و به عنوان یکی از فعالان حوزه شعر مذهبی کودک درآمد.

وی در اشعار خود از انواع قالب‌ها و ساختارهای شعری بهره گرفته و زبان داستان‌هایش ساده و درخور مخاطبان کودک است تا به راحتی با آنها ارتباط برقرار کنند. از آثار دیگر او می‌توان به «پنج روز در نیمروز»، «سوار سوم» و ساده مثل آسمان، کلاغ‌های کاغذی و . . . اشاره کرد. مزینانی تاکنون موفق به دریافت دیپلم افتخار و کتاب سال و سروش نوجوان و جایزه IBBY برای مجموعه شعر سوار سوم شده است.

■ شما با اولین کارتان یعنی آب یعنی ماهی به حوزه شعر کودک و نوجوان در سال ۶۸ روی آوردید. چطور شد که با شعر آغاز کردید و چرا به سمت داستان هم گرایش پیدا کردید؟

البته از سال ۶۳ شعر گفتن را به شکل حرفه‌ای برای کودکان و نوجوانان شروع کردم. چاپ آب یعنی ماهی بود که در سال ۶۹ اتفاق افتاد. دیگر اینکه پیش از این یا همزمان با آن سفرنامه پنج روز در نیمروز را نوشته‌ام که در همان سال‌ها به چاپ رسید.

اما اینکه چرا با شعر آغاز کردم، این از آن پرسش‌های مقدری است که پاسخ به آن آسان نیست. می‌توان این پرسش را با یک پرسش پاسخ گفت و آن اینکه: چرا با شعر آغاز شدم؟ و جواب اینکه خب برای اینکه شاعر بودم! مگر ما به اعتبار اینکه شعر می‌گوییم شاعریم یا به خاطر شاعر بودن شعر می‌گوییم؟ دیدید جواب سئوال شما چقدر آسان بود؟ اگر می‌گویید نه خب، وقتی که شعر مثل معجونی درهم جوش به قول مولانا، در دیگ دل آدم می‌جوشد، او باید چه کار کند؟

اما اینکه چرا به داستان گرایش پیدا کردم، به این خاطر که در حال حاضر داستان را جلیل‌ترین و گویاترین بیان هنری و ادبی در جهان معاصر می‌دانم. به جرات می‌توان گفت که هیچ ابزار هنری دیگری- حتی سینما- نتوانسته مانند داستان انسان معاصر را در خود بازتاباند. نقش و ارزش داستان از این نظر یگانه و بی‌مانند است. دلیل دیگر اینکه همچون شعر در داستان هم با جادوی کلام روبه‌روییم. از این گذشته در جهان معاصر و به ویژه در سرزمین خودمان، داستان ابزاری است بسیار مناسب برای نواندیشی، نوبینی و نو زیستن. داستان برای ما می‌تواند پلی باشد برای رفت و آمد بین جهان‌های قدیم و جدید، راهی برای برون‌رفت از چالش‌های فکری و فرهنگی، دستاویزی برای پیوند زدن مفاهیم و باورهای قدیم و جدید. دست آخر با کمک داستان- به مفهوم مدرن آن- می‌توان به تمامی عرصه‌های زندگی سرک کشید. می‌توان به دنیای مذهب و شخصیت‌های دینی بازگشت- به ویژه در ادبیات کودک و نوجوان- می‌توان با خلق دنیاهای تازه حس‌ها و تجربه‌های دینی را به کودکان و نوجوانان انتقال داد. تا کی می‌توان تنها به روایت و حکایت زندگی بزرگان دینی پرداخت؟

■ به نظر شما اینگونه فعالیت‌ها چه تاثیری بر کار نویسنده خواهد گذاشت؟

اگر نویسنده یا شاعر ابزار کار خود را به خوبی بشناسد، از نگاهی نو برخوردار باشد و به دیدگاهی شخصی و تمایزات سبکی رسیده باشد، می‌تواند از هر دو این ظرفیت‌ها- چه شعر و چه داستان- بهره بگیرد. اما در صورتی که به این سطح نرسیده باشد، همان بهتر که از هر دو این کار دست بکشد.

■ فکر می‌کنید دنیای شعر و داستان آنقدر به هم نزدیک است که این فرصت ایجاد شود و یا ضعف یکی باعث چرخش به سوی دیگری شود؟

پیش از این تا اندازه‌ای به این موضوع اشاره کردم. باید در نظر داشته باشیم ما درباره ادبیات کودک و نوجوان حرف می‌زنیم. چیزی که این ادبیات را از ادبیات به معنای عام جدا می‌سازد، این است که ادبیات کودک و نوجوان به شدت کارکردی است. اصلاً عامل اولیه آفرینش آن و در ادامه چاپ و انتشارش به اقتضای مخاطب است. در ادبیات عام نویسنده تنها برای دل خودش می‌نویسد و بعد اگر دلش خواست و توانست اثرش را به چاپ می‌رساند. در حالی که نویسنده کودک و نوجوان در همه مراحل کار باید مخاطب را در نظر داشته باشد. از این نظر شعر و داستان هر دو ابزاری هستند برای انتقال حس و اندیشه شعر یا نویسنده به مخاطب، نه صرفاً ابزاری برای بیان حس و اندیشه. بله مرز شعر و داستان در ادبیات کودک و نوجوان بسیار به هم نزدیک است. اما بهره‌گیری موفق از آنها برمی‌گردد به میزان تخصص و تجربه نویسنده. نکته خودخواهانه دیگر اینکه معمولاً یک شاعر خوب می‌تواند قصه‌نویس خوبی شود- نه باشد- اما یک نویسنده نمی‌تواند شاعر خوبی هم باشد. موضوعی که نمونه‌هایش فراوان است.

■ در نشریه غنچه که در خصوص ادبیات کودک و نوجوان منتشر شده بود، گفته بودید شعر نوجوان بدون حضور تفکر و شعور و شهود، اسیر ذوق‌زدگی شده و حس لذت، تقارن ذوق و هنر است و عمق بخشیدن به شعر به وسیله فکر و شعور. منظورتان از ذوق‌زدگی چیست و این عمق بخشیدن چگونه میسر می‌شود؟

چه فرق وحشتناکی دارد دهه ۷۰ و ۸۰ به خصوص در کشور ما! ولی به هر حال حرف گفته شده در آن زمان همچنان به قوت خویش باقی است. ابتدا باید بپرسید که چرا ما اصلاً باید برای کودک و به ویژه نوجوان شعر بگوییم؟ اگر منظور برآوردن حس لذت‌جویی است که کتابخانه‌های ما پر است از شعرهای نابی که برای نوجوانان مناسب است. از شعرهای سهراب گرفته تا سعدی. اما اگر قرار است نوجوان با خواندن شعری نوجوانانه با تجربه‌ای حسی و عاطفی شریک شود، نسبت به خود و جهان پیرامونش شناخت و شهود تازه‌ای بیابد، این شعر باید با شعور و شهود آمیخته باشد. اصلاً در دنیای اینترنت و ماهواره و عصر انفجار اطلاعات، دنیایی واقعی که به طرز شگفتی به دنیای مجازی نزدیک‌تر است؛ با ابزاری جادویی مثل جست‌وجوی یک واژه شاعر و نوجوان چه حرفی برای گفتن دارد؟ در عصر خرد خودبنیاد، سرشار از آموزه‌های فمینیستی و لیبرالیستی دنیای وارونه شدن مفاهیم و باورهای همین بیست سال پیش شاعر چه می‌تواند بگوید؟ در دنیایی که نوجوانان آن در زندگی آرمانی ندارند بلکه خود زندگی آرمان آنها است، ما چه می‌توانیم بگوییم؟ آیا شاعر نوجوان با تکیه بر نگاهی پدرسالارانه، افلاطونی و نوافلاطونی، نگاهی مبتنی بر خیر و شر و حسن و قبح عقلانی و دوگانه فقر و غنا و نوعی عرفان خودبراندازانه، آن هم در این زمان ماتریکسی در زمانه برتری دادن خود بر هر چه خودی، زمانه همانندسازی ژنتیکی به جای همانندسازی آیینی اصلاً حرفی می‌تواند برای گفتن داشته باشد؟ آیا می‌توان همچنان از دنیای یکی بود یکی نبود که هیچکی بود، هیچکی نبود جایش را گرفته، حرف زد؟ آیا از شاعر نوجوان کار دیگری به جز سکوت که آن هم خودش دنیایی دارد و ابراز حیرت و شگفتی که این هم خودش نعمتی است، برمی‌آید؟

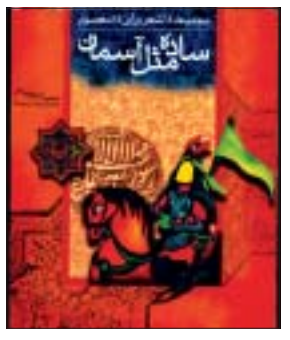

■ شعر نوجوان دارای چه ویژگی‌هایی است و ریتم و قافیه در اشعار این گروه چه نقشی ایفا می‌کند و اصولاً شعرها باید چگونه باشد و چگونه و تا چه حد مخاطب و خاستگاه‌های او را در نظر می‌گیرد؟

اگر منظور این است که شعر نوجوان امروز چه ویژگی‌هایی دارد که خیلی ویژگی‌ها دارد. مثلاً هنوز در عصر روستاهایی به سر می‌برد با آسمانی آبی و یک ماه زیبا- نه ماهواره- در کنار چشمه‌سار و قناتی آواز خوان- نه چاه آب- با مردمی همواره خوب، سوار بر چهارپایی مهربان- نه وانت‌باری درب و داغان- ! شعر امروز از آفتی رنج می‌برد به نام ایستایی و جاماندگی. که این هم شباهتی تام و تمام دارد به اوضاع جامعه. شعر نوجوان ما به شدت یکنواخت و تکراری شده و جز جرقه‌هایی گاه و بیگاه چیزی از آن برنمی‌خیزد.

شعر نوجوان امروز در فازی دیگر در شهری به سر می‌برد پر دود و دم، شلوغ با آدم‌هایی فردیت نیافته، مناسباتی نابسامان، طبقاتی، بدون تشخص و هویت، خرده‌فرهنگ‌هایی نابهنجار، شهری با یاکریم‌های دودآلوده و گربه‌هایی خواب‌آلود، شهری که کودکانش کودکی نمی‌کنند، نوجوانانش نوجوانی نمی‌دانند و بزرگسالانش کودکی نمی‌توانند. در این شهر کلمه حقوق در بهترین حالت یادآور حقوق مالی است نه حقوق انسانی تا چه برسد به بشری!

خب در چنین شهری بسیاری از کودکان و نوجوانان بی‌چهره‌اند و شاعر بینوا چاره‌ای ندارد جز اینکه دائماً به چهره کودکی خودش دست بساید تا دست‌کم این چهره از یادش نرود. در چنین حال و احوالی سرنوشت کتاب‌های چاپ شده در این حوزه هم شنیدنی است. حکایت این کتاب‌ها مثل آن یخ‌فروش نیشابور است که در ظهر داغ تابستان یخ می‌فروخت و می‌گفت: تمام شد و کس نخرید!

در چنین اوضاعی کتاب‌ها تمام می‌شوند اما به واقع کسی آنها را نمی‌خرد.

■ در شعر نوجوان، هماهنگی قالب و محتوا اهمیت بسیاری دارد. به نظر شما چگونه می‌توان مفاهیم تازه و نو را با استفاده از قالب‌های کهنه و کهن بیان کرد؟

سختی کار در این است که بسیاری از اوقات قالب و مضمون از هم می‌گریزند. مثلاً هرچه تلاش می‌کنی نمی‌توانی خیابانی امروزی را در قالب مثنوی به تصویر بکشی. زیرا مثنوی ضرباهنگی دارد به شدت موزون و مقفی و شعر تو در نهایت در این قالب می‌شود تصویر شاعرانه از خیابان. در حالی که منظور تو این نبوده است.

این بحثی است درازدامن که ادامه آن فرصتی دیگر می‌طلبد.

■ شما در جایی گفته‌اید که شعر حقیقی در زمینه‌ای منطقی خلق نمی‌شود و انتخاب منطقی، شعر نیست و صرفاً یک نظم است. در این مورد بیشتر توضیح دهید.

شعر و کلاً روند آفرینش هنری و ادبی، طبیعتاً باید از اقتضائات و منطق درونی خودش پیروی کند. ممکن است به صورتی استثنایی در چرخه سفارش شعری واقعی تولید شود. به خصوص با این سیستم عرضه و تقاضا که در حال حاضر وجود دارد، خلق شعر واقعی بسیار دشوار است. شعر شاعر باید چکیده همه لحظات و آنات زندگی او باشد، نه گذران زندگی او وابسته به شعر.

به عبارتی دیگر، شعر باید تابع سیستم عرضه و تقاضا باشد، نه چرخه تقاضا و عرضه! اما در حال حاضر بیشتر شاعران و نویسندگان در این چرخه گرفتارند و گذران زندگی آنان در گرو وجود این سیستم است. چرخه‌ای که از بالا تا پایین به پول وابسته است. آری، اگر منظور از زمینه منطقی، همان منطق برخاسته از ذات و منطق درونی شعر است، نه منطق گریزناپذیر و خلاقیت‌کش بیرونی، من هم دلم می‌خواست چندین ماه به یکی از جزایر می‌رفتم و داستان بلندی می‌نوشتم درباره نویسنده‌ای که باید هر ماه داستانی بنویسد تا اجاره خانه‌اش را بپردازد.

■ به عقیده شما جایگاه آثار غیرداستانی و ویژگی‌های آن چگونه است و چه تاثیری بر خواننده نوجوان خواهد داشت؟

یک شعر خوب نوجوانانه می‌تواند به نوجوان در کشف هزارتوی وجودش کمک کند. شعر می‌تواند به نوجوان نگاهی ببخشد که به یاری آن از سطح زندگی روزمره و روزمرگی، حتی برای لحظه‌ای عبور کند. شعر می‌تواند تجربه عاطفی ناب و عمیقی باشد و باعث شود که نوجوان عمیق‌تر عشق بورزد و ژرف‌تر دوست بدارد. شعر می‌تواند نگرش نوجوان را نسبت به مدرن‌ترین پدیده‌ها، مانند ماهواره و اینترنت، تغییر بدهد، اصلاح کند و به نگاه او عمق تازه‌ای ببخشد. شعر می‌تواند کهن‌ترین خاطرات و تجربه‌های قومی را در قالبی حس‌برانگیز و دلنشین برای نوجوانان بازآفرینی کند و او را با گذشته خویش پیوند دهد. شعر می‌تواند برای مثال، واقعه‌ای دینی مثل عاشورا را به گونه‌ای تازه و حس‌برانگیز به نوجوان ارائه کند.

■ سفرنامه «پنج روز در نیمروز» یکی از آثار غیرداستانی شماست که با گرایش به یک قالب مهجور با الگو و نثری نوجوانانه، نوشته شده و مورد توجه و تقدیر هم قرار گرفته. ویژگی این کار، علاوه بر زبان ساده و درخور درک نوجوان، چه بوده و چه شد که این کار را انجام دادید؟

«پنج روز در نیمروز» سفرنامه‌ای است واقعی اما روحی در گستره‌ای از جغرافیای سرزمین ما به نام سیستان و بلوچستان. سال‌ها پیش، نویسنده‌ای که از نوجوانی خودش چندان فاصله‌ای نداشت، به سفری رفت شگفت‌انگیز و متفاوت. آنچنان که گویی به کشف سرزمینی تازه رفته بود. سرزمینی که هنوز هم به نظرم کشف‌ناشده است. البته در همان دوران، سفری هم داشتم به کویر مرکزی و سفرنامه‌ای نوشتم به نام «دریای گمشده». این نیز سفری بود کاشفانه، در جغرافیایی حیرت‌انگیز که هنوز هم به همان شکل باقی مانده، اگرچه جاده‌ای آسفالته آن را دو شقه کرده است.

■ شما در حوزه ادبیات مذهبی و دینی به صورت کارشناسانه فعالیت دارید، خصوصاً در زمینه شعر مذهبی. ویژگی‌های این گونه شعر و داستان و تعریف شما از این شیوه و سبک چیست؟

همان طور که چندین بار اشاره داشتم، به نظرم می‌توان تمامی مضامین دینی را برای کودکان بازآفرینی کرد. متاسفانه در حال حاضر، با دخالت سازمان‌ها و نهادها نوعی سفارش‌نویسی رواج پیدا کرده که آثار زیانباری در پی خواهد داشت. انگار به یک‌باره همه به این فکر افتاده‌اند که با اختصاص بودجه کلان، نوعی ادبیات دینی ساده‌انگارانه را رواج بدهند. از این گذشته، نوعی اخباری‌گری و تاریخی‌گری بر این آثار سایه انداخته که صرفاً بر روایت مستند و تاریخی مضامین و مفاهیم دینی تکیه دارد.

برای مثال، داستان زندگی پیامبر و ائمه اطهار، بارها به وسیله سازمان‌ها و ناشران گوناگون به چاپ رسیده، همه یکنواخت و یک‌جور. روایت زندگی این بزرگان، کاری است درخور و شایسته، اما این روایت باید از فرآیند خلاقیت و صافی ادبیات ناب عبور کند تا کاری از آب دربیاید خواندنی و ماندنی. اگر قرار است شعری برای امام علی سروده شود، چه نیازی است که صرفاً به بیان روایتی تاریخی از زندگی ایشان پرداخت؟ آیا بهتر نیست این شعر، تجربه‌ای باشد حسی و زیباشناسانه از حالات و آنات آن شخصیت بزرگوار؟ بگذریم که گفتنی‌ها بسیار است.

■ شما به عنوان یکی از نویسندگان نسل دوم ادبیات کودک و نوجوان محسوب می‌شوید و از جمله شاعران منظومه‌ساز هستید که در اثر «نیلوفر چه می‌خواست؟» در قالب سروده‌های مذهبی جایگاهی خاص به خود دادید. اینگونه فعالیت‌ها چه تاثیری بر ادبیات این گروه‌های سنی خواهد داشت؟ و چگونه می‌توان مخاطب را فراخواند و چه باید کرد تا از ورطه گزافه‌گویی درامان بماند؟

منظومه‌ها نیز جای خود را دارند. منظومه ظرفیت و قالبی است برای بیان یک ماجرا یا یک ایده. این قالب ادبی، برخلاف آنچه از نامش برمی‌آید، تنها سخن منظوم نیست، بلکه باید مخیل باشد و آراسته به ظرافت‌های ادبی. مانند منظومه موش و گربه از عبید زاکانی. البته فارغ از قالب، مفهوم منظومه می‌تواند در قالب‌های دیگر نیز گسترش یابد. مثلاً در قالب چهارپاره، که در این قالب کارهای ماندگاری شده است.

نگاه کوتاه

تازه‌های انتشارات قدیانی

مجموعه هشت جلدی افسانه‌های شیرین دنیا از تازه‌ترین آثار منتشر شده توسط انتشارات قدیانی است؛ دختری با پیراهن چوبی، سفیدبرفی، دوازده برادر و . . . و ده‌ها افسانه دیگر را در این کتاب‌ها می‌خوانید. این افسانه‌ها از ملیت‌ها و سرزمین‌های گوناگون سراسر جهان انتخاب شده و با قلم اندرو لنگ بازنویسی شده‌اند. در میان این قصه‌ها عنوان‌های آشنا بسیارند و موضوع بسیاری از آنها را نیز می‌توانیم در افسانه‌های بومی خود بیابیم. ترجمه هر جلد از این مجموعه توسط یک مترجم انجام شده است. این مجموعه با تعداد ۳۳۰۰ نسخه راهی بازار شده است. بچه‌های راه‌آهن نوشته ای‌نزبیت و ترجمه شیما فتاحی برای گروه سنی نوجوان در تیراژ ۳۳۰۰ نسخه منتشر شد. داستان از این قرار است که روبرتا، پیتر و فیلیس زندگی خوبی دارند تا اینکه روزی پدرشان همراه دو مرد از خانه بیرون می‌رود و دیگر بازنمی‌گردد. آنها مجبور می‌شوند خانه قشنگ‌شان را ترک کنند و مسیر زندگی‌شان به کلی تغییر می‌کند، اما همچنان از پدر بی‌خبرند. مجموعه دزدان شیطان نام مجموعه دوجلدی دیگری است که به قلم دارن شان نوشته شده و فرزانه کریمی ترجمه آن را بر عهده داشته است. کرنل فلک با لکه‌های نور شکل‌های عجیب و غریبی درست می‌کند که در هوا شناور می‌مانند. او روزی بدون آنکه بداند، با نورها پنجره‌ای می‌سازد که به دنیای دیگر راه دارد و بعد از این اتفاق زندگی‌اش زیرورو می‌شود. هیولایی شیطانی برادرش آرت را می‌دزدد و او برای نجات برادر کوچولویش به قلمرو سراپا وحشت آن هیولا قدم می‌گذارد. این مجموعه رمان در قالب داستان‌های فانتزی برای نوجوانان در نظر گرفته شده است. از جمله کارهای منتشر شده توسط این ناشر می‌توان به آثاری چون پینوکیو آدمک چوبی ترجمه مصطفی رحماندوست و خداحافظ درختان سرو نوشته مژگان شیخی اشاره کرد. مجموعه چهارجلدی ۳۰ قصه ۳۰ شب به قلم مژگان شیخی و تصویرگری عطیه سهرابی برای گروه سنی پیش‌دبستان و سال‌های اول و دوم دبستان در تیراژ ۳۳۰۰ نسخه به چاپ رسیده است. همچنین دانستنی‌های علمی برای کودکان در دوازده جلد با ترجمه امیر صالحی طالقانی راهی بازار شده است. این مجموعه شامل عنوان‌هایی چون چرا بیمار می‌شویم، چرا غذا می‌خوریم، گیاهان چگونه رشد می‌کنند. . . است. از دیگر آثار غیرداستانی منتشر شده توسط انتشارات قدیانی مجموعه چهارجلدی اینترنت و شماست که برای نوجوانان و آشنایی بیشتر آنها در نظر گرفته شده که به ارائه مفاهیمی چون شبکه جهان‌گستر، وب‌سایت و . . . می‌پردازد. مجموعه ۲۵ جلدی پیامبران و قصه‌هایشان نوشته حسین فتاحی و تصویرگری حمیدرضا بیدقی برای کودکان ۶ تا ۱۰ سال از سری داستان‌های مذهبی منتشر شده توسط همین ناشر است. از دیگر کتاب‌های انتشارات قدیانی می‌توان به نخستین اطلس بدن من با ترجمه حسین الوندی اشاره کرد. از مجموعه چرا و چگونه نیز تمدن چین باستان، امپراتوری روم باستان، گلادیاتورها و شهرهای مدفون با ترجمه فرزانه کریمی و بهروز بیضایی در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. از سری مهارت‌های علمی برای دانش‌آموزان نیز انتشارات قدیانی مجموعه شش جلدی گام به گام نوشته جیل جسون با ترجمه امیر صالحی طالقانی را منتشر کرده است. در این مجموعه پیشی و موشی سعی دارند تا اطلاعات لازم را برای کسب مهارت‌های رایانه‌ای در اختیار نوجوانان قرار دهند.

■ تازه‌های نشر افق

بلبل سرگشته نام مجموعه داستانی شش‌جلدی از فرشته مولوی است که برای گروه سنی نوجوان درنظر گرفته شده. فرشته مولوی که پیش از این مجموعه داستان‌های «باد می‌وزد» و «پری آفتابی» را به چاپ رسانده در این مجموعه داستان با رویکرد و پرداخت جدیدی به داستان‌های کهن پرداخته که از آن میان می‌توان به حکایت پلنگ، چرا گرگ لچک قرمزی را خورد؟ و . . . اشاره کرد. «افسانه سه پادشاه» نام کتاب دیگری است که در قالب رمان نوجوان توسط این ناشر و به قلم جعفر توزنده‌جانی به چاپ رسیده است. همچنین از سری آثار رولد دال که با ترجمه محبوبه نجف‌خانی که توسط افق منتشر شده می‌توان به رمان «چارلی و کارخانه شکلات‌سازی» اشاره کرد که این اثر موفق به دریافت جایزه تصویرگری هانس کریستین اندرسن، جایزه کتاب کودک هزاره سال ۲۰۰۰ و جایزه سوری اسکول سال ۱۹۷۳ شده است.

■ سوره مهر

انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری) از سری مجموعه ۵ جلدی قصه‌های غرب وحشی جلد دوم و سوم آن را به بازار فرستاد. مرغ سوخاری برای جنازه و گربه در جوراب زنانه نام این دو اثر به قلم شهرام شفیعی است که از سری داستان‌های طنز و در قالب وسترن برای نوجوانان به چاپ رسیده است.

■ کتاب لوک و انتشارات ایرانیان

قصه‌های پریان نام مجموعه قصه‌ای است که قصه‌های قدیمی فراموش‌نشدنی را گردآوری کرده است. اندرو لانگ محقق، ادیب و مترجم اسکاتلندی گردآوری این مجموعه را برعهده داشته است. این مجموعه با سی‌وپنج داستان با زبانی روان نقل شده که برگردان آن را علی‌اکبر خداپرست عهده‌دار بوده است.